

علم بدون عقیده انسان را بهشتی نمی‌کند

آیت‌الله عبدالله جوادی آملی در درس اخلاق با بیان اینکه علم بدون عقیده انسان را بهشتی نمی‌کند، گفت:



آیت‌الله عبدالله جوادی آملی در درس اخلاق با بیان اینکه علم بدون عقیده انسان را بهشتی نمی‌کند، گفت: دستگاه اندیشه کاملاً از دستگاه انگیزه جداست؛ دستگاه اندیشه در حوزه و دانشگاه و مراکز علمی فعال است و عقل موضوعات علمی را بررسی می‌کند ولی وظیفه دیگر این است که عصاره این آموخته‌ها و عقل اولی را به جان خود گره بزند و آن را به عمل تبدیل کند.

آیت‌الله جوادی آملیه گزارش ایکن، آیت‌الله عبدالله جوادی آملی؛ استاد درس خارج حوزه علمیه، ۱۱ آبان در ادامه سلسله مباحث درس اخلاق در مسجد اعظم قم به ادامه کلمات نورانی حضرت امیر(ع) در نهج البلاغه پرداخت که متن سخنان ایشان به شرح زیر است:

انسان در زندگی یک دشمن درونی دارد که هوای نفس او هست و این مسئله را وجود مبارک پیامبر(ص) فرمودند: اعدا عدوک نفسک بین جنبیک؛ بدترین دشمن انسان همان هواخواهی او است و دشمن بیرونی هم ابزار زرق و برق دنیاست. دنیا در قرآن کریم در دو فصل جدای هم مورد بحث قرار گرفته است و در نهج البلاغه هم دنیا در دو بخش بحث شده است؛ اول نظام تکوینی دنیا در برابر نظام تکوینی آخرت که آسمان و زمین و انسان و موجودات دیگری دارد و همه این‌ها را قرآن کریم به عنوان آیات الهی و با عظمت و شکوه یاد کرده است.

اینها آیات الهی هستند و جز جمال و کمال چیز دیگری در آن نیست. معنای دیگر دنیا تعبیری مانند این است که این مال من است و مال و ثروت من بیشتر است و من این مقام و پست را دارم و اینقدر درآمد دارم یعنی این اوهام و قراردادهای است و اینها از بدترین دشمنان انسان هستند.
دنیای مذموم و ممدوح

در نوع اول که دنیا در برابر آخرت است، زندگی و آسمان و زمین و امکاناتی دارد و گفته اند با دست پر محشور شوید در این صورت دنیا به خاطر مقدمه آخرت جای خیلی خوبی است و همه فضایل اخلاقی و علمی را می‌توان در دنیا فراهم کرد تا در آخرت مفید به حال ما باشد. لذا در روایات گفته اند که دنیا مزرعه آخرت است و از این جهت هر چه امروز انسان بکارد فردا درو خواهد کرد.

قرآن کریم و در فرمایشات حضرت امیر(ع) در نهج البلاغه از تمثیلات بهره زیادی برده شده است و خاصیت تمثیل آن است که دست فهم شنونده را گرفته و بالا می‌برد و دامنه اوج گرفته مطلب را پایین می‌آورد و شنونده مطلب را می‌فهمد؛ فایده تمثیل این است و در برهان و علوم عقلی جایی ندارد و فقط در همین مسائل یعنی فهم شنونده نقش دارد.

بنابراین در حوزه و دانشگاه مادامی که در مدار علم سخن بگوییم حد تام، حد ناقص و رسم تام و ناقص وجود دارد ولی در خطابات و ارشادات از تمثیل خیلی استفاده می‌کنیم و تمثیل جای خود را در منطق تحمیل کرده است ولی حرف علمی نیست و علم همان چهار تا است ولی در اخلاقیات و مواظط، تمثیل نقش مهمی دارد و دامنه اوج گرفته مطلب را پایین می‌آورد و فهم شنونده را راحت می‌کند. فرمود این دنیا که کسی بگوید من از همه بهترم و مال من بیشتر است و... مورد مذمت شدید قرآن کریم قرار گرفته است.

در قرآن کریم فرمود که حیات دنیا ۵ بخش دارد، **إِعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَ لَهْوٌ وَ زِينَةٌ وَ تَفَاخُرٌ بَيْنَكُمْ وَ تَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيْجُ فَتَرَاهُ مَـّصْفَرًا ثُمَّ يَكُوْنُ خُطَامًا وَ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيْدٌ وَ مَغْفِرَةٌ مِنَ اللَّهِ وَ رِضْوَانٌ وَ مَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُوْر**
ترسیم دنیا در قرآن

خدا رحمت کند شیخ بهایی را که فرمود سوره مبارکه حدید دنیا را چند بخش کرده است؛ اگر کسی دنیازده باشد این موعظه برای او مفید است. این که امضای من محترم است و من این پست و مقام را دارم مثال دنیازدگی است. غیرازاین چند بخش دنیا چیز دیگری ندارد لذا اینکه گفته اند از گهواره تا گور دانش بجوی زیرا دنیاطلبی و در حقیقت این دشمن بزرگ از کودکی تا پیری همراه ما هست. اگر در دوره کودکی با ما نبود قرآن خطر آن را ذکر نمی‌کرد.

بیان نورانی امام صادق(ع) وقتی فردی خدمت او آمد فرمودند: کسی که در دنیا اهل بازی نیست ما هستیم؛ طولی نکشید که امام کاظم(ع) وارد خانه شد و امام صادق(ع) او را در بغل گرفت و فرمود این کودک اهل بازی نیست. بازی آنان هم عالمانه و حکیمانه است؛ از کودک کسی توقع سخنان حکیمانه ندارد ولی مراد این نیست که فقط به بازی بگذرد زیرا این سن هم مقدمه برای ساختن انسان در دوره بزرگسالی است. این مراحل دنیا همگی زهرآلود هستند و بیانات حضرت امیر(ص) در مورد این بخش ها هم همین است که ظاهراین دنیا سرور و باطن آن سم است.

در جلسات گذشته عرض شد فهم این مطالب هم نیازمند عقل نظری و هم عقل عملی است زیرا ممکن است انسان چیزی را صددرصد بفهمد که حق است ولی به آن عمل نکند؛ اگر نفس ما عاقل و کامل باشد همه گرایشات خود را مدیریت می کند و توازن بین آنها برقرار می کند و عالم عامل خواهد شد وگرنه اگر نفس پراکنده اندیش باشد و در خاک زندگی کند؛ الناس نیام فاذا ماتوا انتبهوا. مردم در خوابند و تا نمرند بیدار نخواهند شد.

دستگاه اندیشه کاملاً از دستگاه انگیزه جداست؛ دستگاه اندیشه در حوزه و دانشگاه و مراکز علمی فعال است و عقل موضوعات علمی را بررسی می کند ولی وظیفه دیگر این است که عصاره این آموخته ها و عقل اولی را به جان خود گره بزند و آن را به عمل تبدیل کند. امام علی(ع) فرمودند: علم و عالمی نیمی از راه است و بخواهی عقیده پیدا کنی و بهشتی بشوی و از تکاثر به کوثر بررسی عقلی لازم است که عقل عملی فعال شود.